

بررسی تربیت از دیدگاه قرآن

نرجس فائون غفاری (نویسنده مسئول)

دبیر آموزش و پرورش استان فارس، گروه علوم تربیتی، ايران: narges@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: بزرگان، دوران نونهالی را آغاز آموزش دینی می‌دانند. زمان شروع تربیت دینی از دوران نونهالی است، چرا که فطرت خداجوی کودک هنوز دست نخورده است و این، کار مربی را بسیار آسان می‌کند. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش اذان و اقامه که در بدو تولد در گوش نوزاد طنین انداز می‌شود، در واقع عصاره‌ای از آموزه‌های دینی- الهی است که در ضمیر ناخودآگاه او تأثیر خواهد داشت، لذا بر انجام این کار بسیار تأکید شده است. بسیاری از ما نیز خاطرات تلخ و شیرین از دوران طفولیت و کودکی خود در ذهن داریم و این امر نشان دهنده‌ی تأثیر پذیری در دوران کودکی است.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می‌شود که در نگاه دینی، برای داشتن فرزند سالم و صالح، علاوه بر انتخاب همسری اصیل و دین‌دار، رعایت مسائلی مانند زمان و چگونگی آمیزش و نیز دقت در تغذیه حلال و مناسب در دوران بارداری و شیردهی ضروری است. بخشی از سلامتی و بیماری، زشتی و زیبایی، خوش خلقی و بدخلقی، و باهوشی و کودنی فرزندان، به تغذیه پدر و مادر در آن‌ها قبل از انعقاد نطفه و دوران جنینی مربوط می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت، قرآن، معنویت

مقدمه

احترام به حقوق فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان از اهمیت بسزائی برخوردار است، زیرا که دارای حقوق اجتماعی، آنان می‌آموزد که در آینده فردی عدالت خواه تربیت شوند. بدین جهت لازم است والدین در میان آنها به عدالت رفتار نمایند تا این خصیصه در رفتار آینده آنان جلوه‌گر شود. برای رسیدن به چنین موهبت عظیمی، شایسته است که والدین با آگاهی تمام با تربیت صحیح کودکان، راه را برای رسیدن به چنین مرحله‌ای بگشایند [۱]. مهم‌ترین وظیفه والدین نسبت به فرزندشان آن است که با احترام گذاشتن به او، همواره شخصیت فردی و اجتماعی او را حفظ کنند و او را در میان همسالان و همبازی‌هایش خفیف و خوار جلوه ندهند [۲].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره‌گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان‌های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب‌ها، آثار و نوشته‌های دست‌اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته‌های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته‌ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث می‌پردازیم.

مبانی نظری

تاکید به تربیت در قرآن

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ عَلَيْهِمْ عَلَيْنَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند! (تحریم: ۶) [۴]

یکی از امتیازات و ویژگی‌های قرآن مجید این است که خود یک کتاب تربیتی است و همه آیات آن به طور مستقیم و غیر مستقیم در مقام تربیت انسان در رده‌های مختلف سنی، از خردسال تا کهن سال است. گاه این وظیفه خطیر را به صورت مستقیم و گاه به صورت غیر مستقیم بیان کرده است. یکی از بخش‌های مهم تربیت، تربیت فرزندان است که قرآن در سوره‌های متعدد و در ضمن بیان سرگذشت انبیا و فرزندان آنان (حضرت نوح، ابراهیم، یعقوب، یوسف و...) به مسائل تربیت فرزند (اهمیت، محورها، شیوه‌ها و...) آگاهی داده است [۵]، (اخلاق در قرآن)

حساس‌ترین وظیفه پدر و مادر در برابر فرزندان، تربیت صحیح آنان است. اسلام شخصیت آینده کودک را مرهون تربیت و پرورش و مراقبت پدر و مادر می‌داند و برای تمام لحظات زندگی و دوران عمر افراد، دستورات خاص و مقررات ویژه‌ای دارد. یکی از مسائل مطرح شده در اسلام، مسئله وظایف والدین در تربیت فرزندان است که در نظر قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند متعال در سوره فرقان یکی از ویژگی‌های بندگان راستین را توجه خاص به تربیت فرزند و خانواده خویش می‌داند تا آن جا که آنها برای خود در برابر آنها احساس مسئولیت فوق‌العاده‌ای می‌کنند چنان که می‌فرماید: «آنها پیوسته از درگاه خدا می‌خواهند و می‌گویند پروردگارا از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما گردند». [۶]

مسئله چنین افرادی آنچه در توان دارند در تربیت فرزندان و همسران و آشنایان آنها به اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت، فروگذار نمی‌کنند و در آنجا که دستشان نمی‌رسد دست به دامن لطف پروردگار می‌زنند و دعا

می‌کنند. همچنین در آیه شش سوره التحريم که در بالا به آن اشاره شد خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان را تکلیفی بایسته برعهده مومنان دانسته، روی سخن را به همه مومنان کرده و دستوراتی درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آنها می‌دهد و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند نگاهدارید» [۷]

نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود، مهم تر از آن تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است [۸]. از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که انسان در مقابل همسر و فرزند خویش مسئولیت سنگین تری نسبت به دیگران دارد، و موظف است تا آنجا که می‌تواند در تعلیم و تربیت آنها بکوشد، آنها را از گناه بازدارد و به نیکی‌ها دعوت کند، نه اینکه تنها به تغذیه جسم آنها قناعت کند [۹].

انتخاب نام شایسته

انتخاب نام خوب برای کودک امری بسیار مهم و حساس است که تأثیر زیادی بر شخصیت و روح و روان او دارد، نام زیبا و شایسته، نماد هویت و شخصیت آینده هر فرد و مایه افتخار و مباهات وی خواهد بود. [۱۰]

مهر و محبت

ارتباط عاطفی با فرزند موجب می‌شود که وی با والدین خویش صمیمی باشد، به آنان اعتماد کند و آنان را پناهگاه خویش در بحران‌های زندگی بداند. خداوند در قرآن کریم، خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «به خاطر رحمت خدا بود که تو با آنان ارتباط صمیمی و مهرآمیزی پیدا کردی، اگر خشن بودی، هیچ کس دور تو جمع نمی‌شد» در این میان والدین بسیاری هستند که به فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی‌کنند. محبت وقتی سازنده و تأثیرگذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد، این نیاز، را می‌توان به شکل‌های گوناگون از جمله بوسیدن کودک، در آغوش گرفتن، گفتن جملات زیبا و محبت آمیز، خریدن هدیه و اسباب بازی و... برآورده کرد [۱۱].

از نکات بسیار مهمی که والدین باید در این زمینه به آن توجه داشته باشند این است که از زیاده روی و افراط در محبت بپرهیزند که این خود نیز مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت. خداوند در سوره منافقون مسلمانان را از محبت و علاقه زیاد به مال و فرزند که باعث غفلت از یاد خدا می‌شود، برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید مبادا اموال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل گردانند و هر کسی چنین کند از زیان کاران است» محبت زیاد و بی‌جا، موجب ناز پروردگی، لوس بار آمدن و از خود راضی شدن کودک می‌شود و به سبب وابستگی شدید کودک به والدین، فرزندان را از کسب استقلال باز می‌دارد و در حقیقت زمینه ضعف و سستی کودک و عدم شکیبایی و پایداری او در مقابل مشکلات را فراهم می‌کند [۱۲].

سالم‌سازی محیط رشد فرزندان

پرورش صحیح فرزندان بدون توجه به ایجاد فضای سالم و مناسب و آرام میسر نمی‌شود. قرآن کریم با تأکید بر ایجاد خانواده سالم و آرام، برای نکته تأکید کرده، می‌فرماید: «و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد، قطعاً در آن‌ها نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». نابسامانی خانواده، اختلاف و درگیری بین والدین، عدم رابطه صمیمی میان اعضای خانواده به ویژه والدین، در نتیجه فقدان امنیت و آرامش در خانواده، تربیت صحیح فرزند را تهدید و به مخاطره می‌اندازد. [۱۳]

هدایت اعتقادی فرزندان

خداوند در سوره لقمان آیه ۱۳ می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» «به خاطر بیاور هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد- گفت: پسرم، چیزی را شریک خدا قرار مده که شرک ظلم عظیمی است.»

در این آیه و چند آیه بعد از آن، سخن از لقمان حکیم و بخشی از اندرزهای مهم این مرد الهی به فرزندش در زمینه توحید و مبارزه با شرک و نیز بیان مسائل مهم اخلاقی می‌باشد. از دیگر آیات ناظر به موضوع هدایت اعتقادی فرزندان می‌توان به آیات ۱۳۲ و ۱۳۳ بقره اشاره نمود که وصیت و سفارش ابراهیم(ع) و یعقوب(ع) به فرزندانشان برای یکتاپرستی و دوری از شرک را یادآور می‌شوند. جالب اینکه یعقوب(ع) حتی در بستر بیماری و در آخرین روزهای عمرش، از هدایت اعتقادی و نظارت بر باورهای آسمانی فرزندانش غفلت نمی‌کند [۱۴].

چند نکته درباره آیه ۱۳ لقمان:

- ۱- از بهترین راه‌های تربیت صحیح فرزند، گفتگوی صمیمی با اوست. «وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ»
- ۲- از رسالت‌های پدر نسبت به فرزند، موعظه است. «قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ»
- ۳- فرزند، به نصیحت نیاز دارد. «وَ هُوَ يَعِظُهُ»
- ۴- با نوجوان باید با زبان موعظه سخن گفت، نه سرزنش. «وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ»
- ۵- موعظه باید با محبت و عاطفه همراه باشد. «یا بُنَيَّ» ک

تکریم و احترام به کودک

احترام و تکریم شخصیت انسان یکی از شیوه‌های تربیتی آیین حیات بخش اسلام است و آموزه‌های قرآنی برپایه و اصول احترام به انسان و کرامت انسانی بنا نهاده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم انسان را مورد تکریم و ستایش خود قرار داده، می‌فرماید: ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم» از نظر اسلام کودکان و نوجوانان هم شایسته کرامت و احترام هستند و باید به احساسات آنان احترام گذاشت. والدین در این خصوص وظیفه مهم و خطیری برعهده دارند آنان باید شخصیت کودک را مورد توجه قرار داده، براساس اصل کرامت و حرمت انسان با او رفتار کنند [۱].

تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه از جهاتی مانند ایجاد بیم و امید و بشارت و انداز یک روش تربیتی است، اما تفاوت‌های ظریف و لطیفی میان این شیوه‌ها و روش‌ها وجود دارد. در وعده اصل آن است که تخلفی صورت نمی‌گیرد ولی وقتی وعیدی داده شد، ممکن است مربی از آن استفاده نکند و بگذرد. هم چنین در تشویق و تنبیه میزان مشوق‌ها و تنبیهات بیان نمی‌شود و به کلی گویی می‌توان بسنده کرد، ولی در وعده و وعید می‌بایست میزان تشویق و تنبیه مشخص شود. هم چنین همواره بشارت مقدم بر انداز است (انعام، آیه ۱۴۷، فصلت، آیه ۴۳) و تا جایی که می‌توان از انداز استفاده نمی‌شود، دیگر آن که اگر بر بشارت چند بار تاکید می‌شود انداز از نسبت کم تری برخوردار خواهد بود. از این روست که در آیات قرآنی همواره شمار و تعداد بشارت بیش تر از انداز بوده و دیگر آن که تا با محبت و تشویق و بشارت می‌توان کاری را پیش برد به سراغ تنبیه و انداز نمی‌روند. نکته دیگر آن که درباره همان گونه به ویژه انسان‌هایی که از نظر فکری و رفتاری از خرد خود بهره نمی‌برند و بر اساس تقلید و مانند آن عقاید و رفتارهایی دارند، با نگاهی کریمانه با آنان برخورد می‌شود و به جای تنبیه اصل تشویق مورد توجه قرار می‌گیرد و به جای آن که در پاسخ بدی آنان به بدی پاسخ داده شود با آنان رفتاری بهتر و پسندیده تر در پیش گرفته می‌شود تا شخص مسیر هدایت و اصلاح و درستی را بیابد و از مسیر غلط و نادرست بیرون آید. (فرقان، آیات ۶۳ و ۷۵) [۲]

نیاز فطری و طبیعی فرزندان به بازی و سرگرمی‌های سالم

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذَهَبُوا بِهِ وَ أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّبَابُ وَ أَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ قَالُوا لَئِن أَكَلَهُ الذِّبَابُ وَ نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَاسِرُونَ (۱) - یوسف / ۱۱ تا ۱۴

(برادران نزد پدر آمدند و) گفتند پدر جان! چرا تو درباره یوسف به ما اطمینان نمی‌کنی در حالی که ما خیر خواه او هستیم؟ او را فردا با ما بفرست تا غذای کافی بخورد و بازی و تفریح کند و ما حافظ او هستیم.

(پدر) گفت من از دوری او غمگین می‌شوم و از این می‌ترسم که گرگ او را بخورد و شما از او غافل باشید. گفتند: اگر او را گرگ بخورد با اینکه ما گروه نیرومندی هستیم، ما از زیانکاران خواهیم بود. [۳]

در این آیات، یعقوب پیامبر در برابر استدلال فرزندان نسبت به نیاز یوسف به گردش و تفریح، هیچ پاسخی نمی‌دهد و عملاً آن را می‌پذیرد. این خود دلیل بر آن است که داشتن بازی و سرگرمی سالم برای فرزندان، یک نیاز فطری و طبیعی است و نباید از آن جلوگیری کرد.

قرآن کریم در آیه دیگری هم به بازی و مسابقه فرزندان یعقوب با یکدیگر تصریح می‌کند. (قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ) گفتند: ای پدر ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم (یوسف/۱۶)

کوتاه سخن اینکه نباید در این مورد سخت‌گیری نموده و به بهانه‌های غیرموجه مانع بازی و سرگرمی‌های سالم و کودکان و نوجوانان شد. [۴]

گذشت و چشم‌پوشی از خطاهای فرزندان در صورت ندامت

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ - یوسف / ۹۷ و ۹۸
گفتند: پدر، از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم. گفت به زودی برای شما از پروردگام آمرزش می‌طلبم که او غفور و رحیم است.

یوسف در برابر اظهار ندامت برادران گفت يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ (۵)، خداوند شما را ببامرز، ولی یعقوب به هنگامی که آنها نزد او اعتراف به گناه و اظهار ندامت کردند و تقاضای استغفار نمودند، می‌گوید: بعداً برای شما استغفار خواهیم کرد و ظاهراً همانگونه که در روایات وارد شده هدفش این بوده است که انجام این تقاضا را به سحرگاهان شب جمعه که وقت مناسبتری برای اجابت دعا و پذیرش توبه است، به تأخیر اندازد. (یوسف/ ۲۶) [۵]

یک قاعده و مطلب کلی اینست که فرزندان باید بیازمایند تا راه را از چاه، و صواب را از ناصواب تشخیص دهند. یک کودک یا نوجوان یا جوان برای کشف نیازها، استعدادها و تواناییهایش ناگزیر از آزمون و خطاست فلذا خطا و اشتباه او نیز امری اجتناب‌ناپذیر است و باید با دادن فرصتهای دوباره زمینه شکوفایی و پیشرفت آنها را فراهم ساخت.

تربیت صحیح

از مهمترین حقوق فرزند بر والدین، تربیت صحیح او است. بر اساس آیات و روایات اسلامی، سرپرست خانواده، اعم از پدر و مادر نسبت به تربیت دینی فرزندان خود مسؤولیت سنگینی دارند [۶] خدای متعال خطاب به مؤمنان از پیامدهای اخروی این مساله خبر داده و به آنان هشدار می‌دهد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، نگهدارید.» (تحریم: ۶). نگهداری خویشتن از طریق ترک معاصی و تسلیم نشدن در برابر شهوات سرکش میسور است. نگهداری خانواده نیز به وسیله تعلیم و تربیت درست و فراهم ساختن محیط پاک و به دور از هرگونه آلودگی فکری و عملی حاصل می‌شود، [۷] آیه ((يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ)) به گونه‌ای که آن‌ها را به آنچه خدا دستور داده امر و از آنچه نهی کرده بازدارد.

انجام این مهم با استفاده از شیوه‌های جدید تربیتی و توجه دقیق والدین به تربیت دینی فرزندان در محیط خانه و سرمایه‌گذاری لازم در این زمینه، آثار مهم تربیتی از لحاظ فردی و اجتماعی بر کودک و اطرافیان او به جای خواهد گذاشت. مثلاً کودکی که با خدا آشناست تکیه‌گاه محکمی خواهد داشت و با همین تکیه‌گاه، در برابر مشکلات استقامت می‌کند.

برکت تربیت دینی کودک به والدین نیز می رسد. به گونه ای که کودک تربیت شده دینی، با والدین خود خوب رفتار کرده و با سخنان زیبا و پرمحتوایی که بر زبان جاری می سازد سبب افتخار والدین خود می باشد [۸].

الف- سن مناسب برای تربیت دینی

بهترین زمان برای این امر، دوران نو نهالی است، که در آن فطرت خدا جویی فرد دست نخورده است.
 ۱. نخستین آموزش ها پس از تولد (البته به صورت غیر مستقیم) با گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ نوزاد، با القای آموزه های توحید، نبوت، امامت و... شروع می شود.
 ۲. آموزش مستقیم ارزش های دینی از دو سالگی آغاز می شود، زیرا حس مذهبی در کودک از این سن آغاز می شود. در ابتدا و به مرور صلوات بر محمد و آل محمد، لا اله الا الله، حب نبی صلی... علیه و اله، حب اهل بیت علیهم السلام، تلاوت قرآن و خوبی و بدی، وضو، نما، محرم و نامحرم و... را به کودک بیاموزید [۹].

ب- نقش زمان و مکان در تربیت دینی

بهترین زمان القای آموزه های دینی، زمان شادابی کودک است. توجه داشته باشید که القای ارزش ها در هنگام خواب آلودگی، و اضطراب کودک، نه تنها تثبیتی به دنبال نخواهد داشت بلکه ممکن است مقاومت روانی کودک را نیز در پی داشته باشد.

۱- از زمان شادابی کودک (زمانی که به او هدیه ای می دهید، به مسافرت، پارک، دریا، جنگل، کوه، سینما و...) برای آموزش وی استفاده نمایید، زیرا موقعیت های زمانی و مکانی خوب، باعث می شود که کودک بدون کمترین مقاومت روانی، پذیرای ارزش های دینی باشد.

۲ - سعی کنید آموزش ارزش ها با موقعیت های گوناگون تناسب داشته باشد، برای مثال از زمان هدیه دادن برای آموزش شکر و از زمان حضور در جنگل و دریا برای آموزش قدرت و عظمت خداوند استفاده نمایید [۱۱].

ج- راه کارهای تثبیت آموزه های دینی در کودکان

۱ - تداوم والدین در عمل به آموزه های دینی
 ۲ - تهیه امکانات: امکانات جذابی چون سجاده زیبا، تسبیح، چادر، مقنعه، قبله نما و... عامل تشویقی موثری در تثبیت آموزه های دینی در کودکان است.

۳ - تمرین: امروزه تمرین در صنعت، هنر، ورزش و... نقش بسزایی ایفا می کند که عبادت و ارزش های دینی از این مقوله مستثنا نیست. بیدار کردن کودک در سحر ماه مبارک رمضان، اعطای صدقه با دست کو دکان و... نمونه هایی از این تمرینات هستند [۱۲].

۴ - حضور در محافل مذهبی: شرکت در محافل مذهبی ایام رمضان، محرم و صفر، دعای کمیل، دعای ندبه و... سبب تثبیت آموزه های دینی می شود. البته باید مواظب بود که از بردن فرزند در جلسات طولانی خودداری شود زیرا موجبات کسالت و دلزدگی را در او ایجاد می کند.

۵ - ارتباط با افراد و خانواده های متدین و مذهبی.

۶ - الگو دهی مناسب که خود بهترین آموزش است.

۷ - تشویق و تحسین، به شرط آنکه حالت مزد و پاداش به خود نگیرد. برای این کار بهتر است تشویق ها اعم از مادی و معنوی (بوسیدن، نوازش، توجه، نگاه محبت آمیز و...) باشد. سعی کنید تشویق های مادی شما به صورت نامنظم باشد تا سبب تاجرانه شدن عبادت آنان نشود.

۸ - آموزش ارزش های دینی را با خاطره خوش برای کودکان همراه سازید و از داد و فریاد و... در این زمینه بپرهیزید.

۹ - به دلیل عدم مقاومت روانی زیاد کودکان القای ارزش های دینی، تا حدود ۶ سالگی به طور مستقیم، ممکن است، اما بهتر است که از این سن به بعد از روش های غیر مستقیم مثل (داستان، شعر، شرح حال بزرگان، فیلم، کارتون و نمایشنامه) استفاده کنید [۱۳].

آموزش‌های تربیتی

۱. آموزش دینی

محتوای آموزش دینی بعد از دو سالگی که تکلم کودک کامل می‌شود، عبارت است از: آموزش صلوات و ذکرهائی مثل «لا اله الا الله»، ایجاد محبت به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، بیان خوبی‌ها و بدی‌ها، مشاهده نماز و مناجات والدین با پروردگار و ... پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وقتی فرزندانتان شش ساله شدند، امر کنید نماز بخوانند. وقتی هفت ساله شدند، در این باره بیشتر تأکید کنید و در صورت لزوم می‌توانید آن‌ها را بزنید.» [۱۴] از مجموع روایات می‌توان دریافت که والدین باید به کودک خود از سه سالگی ذکر «لا اله الا الله» و از چهار سالگی ذکر «محمد رسول الله» را بیاموزند. همچنین در پنج سالگی او را به قبله متوجه کنند و از شش سالگی سجده و رکوع را به او یاد دهند. از هفت سالگی نیز شیوه وضو گرفتن به کودک نشان دهند و او را به نمازگذاران امر کنند. البته نباید نقش زمان و مکان را در القای این آموزه‌های دینی نادیده گرفت. لحظات خستگی، آشفتگی، خواب آلودگی، اضطراب و کسالت‌های جسمی و روحی، زمان خوبی برای این امر خطیر و مقدس نیست. [۱]

۲. آموزش قرآن و روایات اسلامی

آموزش قرآن در دوران کودکی که سنین آموزش وی به شمار می‌رود از اهمیت زیادی برخوردار است. کودکانی که با قرآن مانوس شده باشند از لحاظ رفتاری با دیگر کودکان تفاوت‌های بسیاری دارند. خواندن قرآن و درک مفاهیم آن می‌تواند رفتارهای نامطلوب انسان را از بین ببرد. علاوه بر آن، آموزش قرآن به فرزندان برای والدین اجر اخروی نیز دارد [۲]. در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «هر کس فرزندش را ببوسد خداوند برای او کار نیکی در نامه عملش می‌نویسد و هر کس او را شاد کند، خداوند او را در قیامت شاد می‌گرداند و هر کس او را قرآن یاد بدهد والدینش فراخوانده می‌شوند و دو جامه ارزشمند به آنان می‌پوشانند که از نور آن در جامه صورت‌های بهشتیان، نورانی می‌گردد.» [۳] از دیدگاه اسلام، همراه آموزش قرآن، فراگیری سخنان ائمه معصومین (ع) نیز از اهمیت بسزائی برخوردار است، زیرا کلام ارزشمند آن بزرگواران، تفسیر کننده آیات قرآن کریم می‌باشد و قرآن و روایات اسلامی مکمل یکدیگرند و یکی بدون دیگری نمی‌تواند فهم و درک عمیق در انسان ایجاد کند. حضرت امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «پیش از آنکه مرجئه (صاحب افکار باطل) بر شما پیشی بگیرند به یاد دادن احادیث به فرزندان خود مبادرت کنید.» [۴] آموزش احادیث و سخنان ائمه معصومین (ع) می‌تواند دل‌های کودکان را بیدار نماید و قلوب آنان را مملو از آگاهی گرداند. علت انحراف نوجوانان و جوانان، در اثر وجود خلاء فکری آنان می‌باشد، زیرا اگر آنان از سنین کودکی به آموزش و تربیت اصیل اسلام با روشی که ائمه معصومین (ع) بیان فرموده‌اند، سوق داده شده بودند، اکنون در ذهن خود احساس بیهودگی نمی‌کردند و به سوی افکار باطل گرایش پیدا نمی‌کردند. مولا امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «از دانش ما به کودکان خود چیزی بیاموزید که خداوند به واسطه آن سودشان بخشد و صاحبان افکار باطل با آرای خود بر آنان چیره نشوند.» [۵] بدین ترتیب وظیفه والدین در امر تعلیم و تربیت کودک، در این مراحل سنی بسیار سنگین می‌باشد، زیرا که این دوران، مرحله مهم آموزش است و نباید فرصت‌های طلایی آن را از دست داد [۶].

۳. آموزش و رعایت احکام

یکی دیگر از مراحل مهم این دوران که بر عهده‌ی والدین می‌باشد، دادن آموزش‌های خاص به کودکان و نوجوانان است، زیرا آنان در این سنین، به طور کامل راهنمائی‌های والدین را می‌پذیرند، بنابراین والدین باید از این موهبت خدائی استفاده کنند و آن‌ها را با آموزش‌های خاص این دوران آشنا سازند. یادگیری نماز صحیح، یکی از آموزش‌های خاص این دوران است که با دقت تمام از سوی والدین باید به فرزندان آموزش داده شود آموزش نماز دارای اهمیت ویژه‌ای است و کودکان و نوجوانان بهتر است از ابتدای این دوران به برگزاری نماز بپردازند. البته باید توجه داشت که این عمل به آموزش صحیح نمار نیازمند است و این وظیفه والدین است که آن‌ها را به این عمل تشویق و ترغیب نمایند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فرزندان خود را در هفت سالگی نماز بیاموزید و چون ده ساله شدند، آن‌ها را بر ترک نمار تنبیه کنید.» [۷] یکی از مشکلات خاص این دوران، آشکار شدن بلوغ زودرس در بعضی از نوجوانان می‌باشد. این موضوع می‌تواند علامت هشدار دهنده‌ای برای والدین باشد. برای

جلوگیری از بلوغ زودرس در نوجوانان، دستورات مؤکدی از سوی ائمه معصومین (ع) بیان گردیده است که می‌تواند قابل توجه والدین باشد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «کودک وقتی سن هفت سالگی را پشت سر گذاشت، دیگر جایز نیست زن‌ها را ببوسد.» [۸] اسلام از همان آغاز تولد دوران دوم کودکی، دستور می‌دهد که آثار بلوغ زودرس را باید در کودک از بین برد و لذا چنین دستوری را برای والدین ارائه نموده است. یکی دیگر از عوامل بلوغ زودرس در کودکان، خوابیدن آنان کنار هم در یک رختخواب می‌باشد و لذا اسلام دستور داده است که کودکان بعد از ده سالگی به هیچ وجه نباید در یک رختخواب بخوابند. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «باید رختخواب بین پسر با پسر، پسر با دختر و دختر با دختر را در ده سالگی از هم جدا کرد.» [۹] یکی دیگر از عوامل ایجاد بلوغ زودرس در کودکان و نوجوانان که اهمیت بسیاری دارد و والدین همواره باید در رعایت آن کوشا باشند جدا کردن اتاق خواب نوجوانان از خود می‌باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، خانواده‌هایی که بیش از یک اتاق خواب برای خود و فرزندان ندارند و فرزندان نیز در اتاق والدین می‌خوابند، فرزندانشان به بلوغ زودرس دچار می‌شوند! [۱۰] این موضوع می‌تواند هشدار برای والدین باشد و آنان را از خواب غفلت بیدار کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اگر مردی با زنش بیامیزد و در خانه، کودکی بیدار باشد و آن دو را ببیند و یا صدای نفس زدنشان را بشنود، آن کودک هرگز رستگار نخواهد شد» [۱۱]

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که پیش شرط تأثیر امر و نهی والدین این است که خود آن‌ها عامل به مسائل و احکام دینی باشد و پیش شرط عامل بودن والدین، باور قلبی آنها به آموزه‌های الهی است. در تعالیم دینی آمده است که در یک مورد اجازه‌ی ریا داریم، آن هم هنگام آموزش اخلاق به فرزندانمان است، یعنی انجام اعمال دینی در معرض دید کودک باشد تا او نیز به آن سمت و سو تشویق شود، مانند خواندن نماز در کنار فرزند و یا کمک به نیازمندان توسط کودک. از همین رو به دیگران نیز توصیه شده است که در طول زندگی، دیگران را با رفتار خود به دین دعوت کنند.

منابع و مأخذ

- [۱] حسینی مرعشی تستری، قاضی نورالله، احقاق الحق، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی، قم.
- [۲] حسین آبادی، فریدونی، ح، (۱۳۷۸)، چراغ سلوک، مؤسسه فرهنگی انتشاری دارالارشاد
- [۳] خزاعی نیشابوری (۱۳۶۶) روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- [۴] خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۶)، شرح غُرِّ الحِکْم و دُرِّ الکَلِم، تهران، دانشگاه تهران
- [۵] دانشمند، مهدی (۱۳۸۰ ه. ش) ارزش والدین و تربیت فرزند، یاس نبی
- [۶] دروزه، محمدعزه (۱۹۶۴ م) عصر النبی و بیئته قبل البعته، چ دوم، بیروت، دارالیقظه العربیه
- [۷] دستغیب، ع (۱۳۸۳)، صلاه الخاشعین، قم، انتشارات اسلامی،
- [۸] دشتی، محمد (۱۳۷۹) نهج البلاغه، ترجمه چاپ اول، انتشارات مومنین
- [۹] دشتی، محمد (۱۳۸۱) فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، قم، انتشارات مشهور
- [۱۰] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۵) روان‌شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت
- [۱۱] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، «اهداف تعلیم و تربیت در اسلام» (جزوه)
- [۱۲] دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۵) سیری در تربیت اسلامی، چ چهارم، تهران، ذک،
- [۱۳] دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران
- [۱۴] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۲)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المکتب المرتضویه لإحیاء آثار

الجعفریّه